

Identifying the Components of Psychological Counseling for Adolescents with Artificial Intelligence: A Grounded Theory Study

Zahra Sadat Pour Seyyed Aghaei^{1*} , Pegah Tashakori Movahed² 

¹. Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. zspsaghaei@alzahra.ac.ir

RCID ID: [0000-0002-2267-9451](https://orcid.org/0000-0002-2267-9451)

². B.A. in Counseling and Guidance, Department of Counseling ,Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. P.Tashakori@student.alzahra.ac.ir

ORCID ID: 0009-0009-2796-3484

Abstract

Aim: The present study aimed to formulate a comprehensive theoretical model of the psychological consultation process between adolescents and artificial intelligence.

Method: This qualitative study was conducted using the Grounded Theory approach. The research population consisted of adolescents from various cities in Iran in the year 1404 (2025-2026), who were selected via purposive sampling. The sample size reached 21 participants based on the principle of theoretical saturation. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed using Strauss and Corbin's constant comparative analysis method through three stages of open, axial, and selective coding.

Result: Data analysis led to the development of a paradigm model whose central phenomenon is the psychological consultation of adolescents with artificial intelligence. The causal conditions of this phenomenon are the need for a psychological-functional refuge. The underlying factor of psychological-emotional vulnerability and the intervening factors of the socio-technological enabling structure were also identified. In the face of these conditions, adolescents employ their digitalized agency strategy. The consequences of this process are dual in nature; on the one hand, it leads to the experience of fleeting peace and superficial functioning, and on the other hand, it can be accompanied by a harmful transformation in the human-technology relationship and the erosion of social and communicative capital.

Conclusion: The findings highlight the necessity of designing regulatory frameworks for the balanced utilization of artificial intelligence to prevent the trade-off of long-term resilience for short-term relief.

Keywords: *Adolescents, Artificial Intelligence, Psychological Consultation*

شناسایی مؤلفه‌های مشورت روان‌شناختی نوجوانان با هوش مصنوعی: مطالعه‌ای

داده‌بنیاد

زهره سادات پورسیدآقایی* ¹  پگاه تشکری موحد ² 

¹ استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. zspsaghaei@alzahra.ac.ir

ORCID ID: [0000-0002-2267-9451](https://orcid.org/0000-0002-2267-9451)

² کارشناسی مشاوره و راهنمایی، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

P.Tashakori@student.alzahra.ac.ir

ORCID ID: 0009-0009-2796-3484

چکیده

هدف: با توجه به گسترش روزافزون تعامل نوجوانان با فناوری‌های هوش مصنوعی و فقدان چارچوب نظری منسجمی که تبیین‌کننده چگونگی و پیامدهای مشورت‌جویی روان‌شناختی آنان از این ابزارها باشد، پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های این پدیده و ارائه مدلی مفهومی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد انجام شد.

روش: پژوهش با روش نظریه داده‌بنیاد نظام‌مند اشتراوس و کوربین انجام گرفت. جامعه پژوهش شامل ۲۱ نوجوان ۱۵ تا ۱۹ ساله از شهرهای مختلف ایران در سال ۱۴۰۴ بودند که هدفمند و بر اساس اصل اشباع نظری انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها به تدوین یک الگوی پارادایمی انجامید که پدیده محوری آن مشورت‌جویی روان‌شناختی نوجوانان با هوش مصنوعی است. شرایط علی این پدیده، نیاز به پناهگاه روانی-کارکردی است. عامل زمینه‌ای آسیب‌پذیری روانی-هیجانی و عوامل مداخله‌گر ساختار توانمندساز فناورانه-اجتماعی نیز شناسایی شدند. نوجوانان در مواجهه با این شرایط، راهبرد عاملیت دیجیتالی‌شده خود را به کار می‌گیرند. پیامدهای این فرایند ماهیتی دوگانه دارد؛ از یک سو به تجربه آرامش‌زودگذر و کارکرد سطحی می‌انجامد و از سوی دیگر، می‌تواند با دگر دیسی آسیب‌زا در رابطه انسان-فناوری و فرسایش سرمایه اجتماعی و ارتباطی همراه شود.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها بیانگر ضرورت طراحی چارچوب‌های نظارتی برای بهره‌برداری متعادل از هوش مصنوعی است تا از تضعیف تاب‌آوری بلندمدت به‌خاطر تسکین کوتاه‌مدت جلوگیری شود.

کلمات کلیدی: مشورت روان‌شناختی، نوجوانان، هوش مصنوعی

مقدمه

دوران نوجوانی مرحله‌ای سرنوشت‌ساز با تحولات هم‌زمان زیستی، روانی و اجتماعی است که با شکل‌گیری هویت، افزایش حساسیت هیجانی و نیاز فزاینده به خودتنظیمی و عاملیت همراه می‌شود (کولمن، ۲۰۲۲؛ مسترسی، لازری، واساله، ۲۰۲۴). در این دوره، نوجوانان برای مواجهه با تعارض‌های درونی و بین‌فردی، به دسترسی به حمایت هیجانی امن، فضایی بدون قضاوت برای خودافشایی و تجربه استقلال نیازمندند (اریکسون، ۱۹۶۸؛ دیویس و همکاران، ۲۰۲۳). ناکامی در برآورده شدن این نیازها می‌تواند خطر انزوا و آسیب‌پذیری روان اجتماعی را افزایش دهد.

با وجود این نیازهای بنیادین، دسترسی نوجوانان به خدمات رسمی سلامت روان با موانع ساختاری متعددی مواجه است. مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهند که حدود هفتاد درصد نوجوانان تمایل دارند درباره مسائل شخصی خود با کسی صحبت کنند، اما تنها سی درصد آنان به منابع مشاوره‌ای رسمی دسترسی دارند (ژو، وانگ و هو، ۲۰۲۵). در بافت ایران، این شکاف دسترسی تحت تأثیر عواملی همچون تابوهای فرهنگی پیرامون مشکلات روان‌شناختی، کمبود متخصصان در محیط‌های آموزشی و نگرانی از قضاوت اجتماعی تشدید می‌شود (مجیدی افشار و همکاران، ۱۴۰۳). در نتیجه، نوجوانان در وضعیتی قرار می‌گیرند که تقاضای فزاینده برای حمایت روان‌شناختی با عرضه ناکافی خدمات سنتی هم‌زمان است (سرائی، احمدی، غلامی، ۱۴۰۴).

در پاسخ به این خلأ، فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی—به‌ویژه چت‌بات‌های گفتگو محور—به‌عنوان گزینه‌ای در دسترس برای مشورت روان‌شناختی ظهور کرده‌اند. ویژگی‌هایی نظیر دسترسی فوری و پیوسته، هزینه پایین، ناشناسی و تجربه تعامل عاری از قضاوت، این ابزارها را برای نوجوانان جذاب ساخته است (پینگ، ۲۰۲۴؛ ژو، ژائو و ژانگ، ۲۰۲۲). مطالعات پیشین به ظرفیت این فناوری‌ها در کاهش شکاف دسترسی، ارائه حمایت‌های اولیه و کمک به گروه‌های خاص اشاره کرده‌اند (آگیره و لاسکو و همکاران، ۲۰۲۵؛ شاناهان، مک‌دونل و رینولدز، ۲۰۲۳؛ ژو و همکاران، ۲۰۲۵؛ سونو همکاران، ۲۰۲۵). در ایران نیز پژوهش‌هایی به بررسی زمینه‌های به‌کارگیری و چالش‌های فرهنگی و اخلاقی این فناوری‌ها پرداخته‌اند (عبداله‌زاده، محمدزمانی و زمانیان، ۱۴۰۴؛ جعفری و رحمتی، ۱۴۰۴).

با این حال، فراتر از کارکرد ابزاری، پرسشی بنیادی مطرح می‌شود: چگونه یک سامانه غیرانسانی و الگوریتمی می‌تواند برای نوجوانان به فضایی امن برای خودافشایی و تنظیم هیجان تبدیل شود؟ این پدیده واجد نوعی دوگانگی ذاتی است؛ از یک سو، وعده امنیت هیجانی ادراک‌شده، دسترسی نامحدود و تجربه عاملیت را می‌دهد و از سوی دیگر، به دلیل فقدان عواطف اصیل انسانی و محدودیت در درک ظرافت‌های فرهنگی-اجتماعی، با مخاطرات بالقوه‌ای همراه است. ادبیات انتقادی به نگرانی‌هایی نظیر شکل‌گیری وابستگی تنظیم‌شده توسط الگوریتم، پیامدهای بلندمدت نامعلوم برای تاب‌آوری و خودکارآمدی نوجوان، و ناهمخوانی فرهنگی در ارائه حمایت اشاره کرده است (گرودونیویچ و هوهول، ۲۰۲۳؛ اولوادو همکاران، ۲۰۲۴؛ امیرخانی و همکاران، ۱۴۰۴). اگرچه این نگرانی‌ها رویکردهای مکمل‌نگر نسبت به نقش هوش مصنوعی در سلامت روان را تقویت کرده‌اند (اسپایتسکا، ۲۰۲۵)، تجربه زیسته نوجوانان از این تعاملات—یعنی معانی، انگیزه‌ها و فرآیندهای روان‌شناختی شکل‌گرفته در بستر استفاده—همچنان به‌طور نظام‌مند تبیین نشده است.

مرور ادبیات نشان می‌دهد تمرکز غالب پژوهش‌های موجود، بر پذیرش، کارایی فنی و پیامدهای کوتاه‌مدت استفاده از چت‌بات‌ها بوده است، در حالی که منطق درونی گرایش نوجوانان به این فناوری‌ها و پیامدهای ادراک‌شده آن برای ساختار روانی-اجتماعی آنان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به‌ویژه، روشن نیست چه شرایط زمینه‌ای نوجوانان را به سوی مشورت روان‌شناختی با هوش مصنوعی سوق می‌دهد، نوجوانان در خلال این تعاملات در پی برآورده‌سازی کدام نیازها و معانی روان‌شناختی هستند، و این تجربه‌ها چه پیامدهایی برای سازه‌هایی چون تاب‌آوری، خودکارآمدی و سرمایه اجتماعی دارند. فقدان یک چارچوب نظری یکپارچه که بتواند این سطوح تحلیل—از فرآیندهای خرد روانی تا پیامدهای کلان اجتماعی—را به هم پیوند دهد، مانع درک جامع این پدیده و طراحی مداخلات مبتنی بر شواهد شده است. از این رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که مؤلفه‌های مشورت روان‌شناختی نوجوانان با هوش مصنوعی، بر پایه داده‌های کیفی و با استفاده از رویکرد نظریه داده‌بنیاد کدام است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از نظریه داده‌بنیاد نظام‌مند مبتنی بر الگوی اشتراوس و کوربین انجام شد. این رویکرد به‌منظور تبیین زمینه‌ها، راهبردها و پیامدهای مشورت روان‌شناختی نوجوانان با هوش مصنوعی انتخاب شد، زیرا امکان تولید نظریه‌ای برآمده از داده‌ها را بدون اتکا به چارچوب‌های نظری ازپیش‌تعیین‌شده فراهم می‌سازد. میدان پژوهش شامل نوجوانان ایرانی از ۱۵ تا ۱۹ ساله بود و با توجه به ماهیت برخط تعامل با چت‌بات‌های هوش مصنوعی، به شهر یا استان خاصی محدود نشد. مشارکت‌کنندگان از استان‌های مختلف ایران انتخاب شدند تا تنوع فرهنگی و اجتماعی در داده‌ها لحاظ شود. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل داشتن سن ۱۵ تا ۱۹ سال، استفاده حداقل دو بار طی شش ماه گذشته از چت‌بات‌های هوش مصنوعی با هدف دریافت مشورت شخصی، هیجانی یا روان‌شناختی و نه صرفاً کاربردهای آموزشی یا علمی، نداشتن تشخیص رسمی اختلال روان‌شناختی بر اساس خوداظهاری و اعلام رضایت آگاهانه برای مشارکت در مصاحبه بود. عدم تمایل به ادامه همکاری در هر مرحله از فرایند مصاحبه به‌عنوان ملاک خروج در نظر گرفته شد.

به‌طور کلی پژوهش حاضر در سه مرحله و براساس فرایندی سیزده مرحله‌ای به انجام رسید. در مرحله اول، پس از طرح دقیق و موشکافانه عنوان پژوهش، مطالعه پیشینه نظری مرتبط با مشاوره نوجوانان، روابط انسان-فناوری و اعتماد به هوش مصنوعی و چارچوب مفهومی نظریه داده‌بنیاد صورت گرفت. خروجی این مرحله استخراج تعاریف و مفاهیم اولیه پژوهش است که در مقالات استفاده شده مبنایی برای مصاحبه و تحلیل محتوای کیفی قرار گرفته‌اند. بنابراین در مرحله دوم، براساس پژوهش اکتشافی، مؤلفه‌های جدیدی استخراج و در مرحله‌های بعدی از آن استفاده شد. به‌منظور شناسایی و تبیین مؤلفه‌های مشورت روان‌شناختی نوجوانان با هوش مصنوعی، داده‌های این مطالعه کیفی از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری شدند. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر، روش نمونه‌گیری نظری است. نمونه‌گیری نظری در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به این معناست که آشکالی از داده‌ها را برای جمع‌آوری انتخاب می‌کند که متون و تصورات مفیدی را در راستای تولید یک نظریه به دست خواهد داد. این بدان معناست که نمونه‌برداری، ارادی (ونه تصادفی) است و متمرکز بر تولید یک نظریه است و تا زمان رسیدن به کفایت نظری ادامه دارد. در این پژوهش حجم نمونه شامل ۲۱ مشارکت‌کننده بود. در مرحله سوم پژوهش، به تحلیل

محتوای هر مصاحبه بلافاصله بعد از اجرا پرداخته شد و از یافته‌های مصاحبه اول خط‌مشی مصاحبه بعدی نگاشته و اصلاح شد؛ اگر هنوز داده‌های جدیدی از مصاحبه کسب می‌شد، انجام مصاحبه دیگری در دستور کار قرار می‌گرفت. این مسیر تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت. سؤالات اصلی مصاحبه شامل موارد زیر بود:

- در زمان تصمیم‌گیری برای مشورت گرفتن، چه گزینه‌های دیگری (مانند والدین، دوستان، مشاور مدرسه یا متخصص) در دسترس داشتی و چرا آن‌ها را انتخاب نکردید؟

- چه عواملی باعث شد به پاسخ‌های هوش مصنوعی اعتماد کنی و تصمیم‌گیری از آن‌ها استفاده کنی؟

-- اگر در همان شرایط، مشاور انسانی قابل دسترس و امنی وجود داشت، چه عواملی ممکن بود باعث شود همچنان هوش مصنوعی را ترجیح بدهی یا برعکس از آن صرف‌نظر کنی؟

- به نظر تو، استفاده از هوش مصنوعی برای مشورت روان‌شناختی چه پیامدهای مثبت و چه پیامدهای منفی برای نوجوانان می‌تواند داشته باشد؟

تحلیل داده‌ها به صورت هم‌زمان با گردآوری داده‌ها و بر اساس منطق نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد انجام شد. هر مصاحبه بلافاصله پس از اجرا پیاده‌سازی و تحلیل شد و یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های اولیه، جهت‌دهنده سؤالات و تمرکز مصاحبه‌های بعدی بودند. فرایند تحلیل شامل کدگذاری باز برای شناسایی مفاهیم اولیه، کدگذاری محوری برای سازمان‌دهی مفاهیم در قالب مقوله‌ها و تبیین روابط میان عوامل علی، زمینه‌ای، راهبردها، پیامدها، مداخله‌گر و در نهایت کدگذاری انتخابی برای یکپارچه‌سازی مقوله‌ها حول یک پدیده محوری و تدوین الگوی نظری نهایی بود. الگوی نظری ارائه‌شده حاصل مقایسه مداوم داده‌ها، بازگشت مکرر بین سطوح مختلف کدگذاری و پیوند نظام‌مند میان داده‌های تجربی و مفاهیم انتزاعی است، به گونه‌ای که تمامی مؤلفه‌های نظری مستقیماً قابل ردیابی به داده‌های خام بودند.

به منظور افزایش اطمینان‌پذیری و کیفیت علمی یافته‌ها، از معیارهای پیشنهادی چارمز و تورنبرگ (۲۰۲۰) استفاده شد. قابلیت اعتبار در پژوهش از طریق مراحل تجزیه و تحلیل مجدد از کدگذاری باز به سمت کدگذاری انتخابی و برعکس انجام شد و همچنین توسط دو تن از متخصصین حوزه نوجوان این روندها مورد توجه قرار گرفتند. در قابلیت انتقال نیز سعی شد به

توصیف دقیق و غنی داده‌ها و استفاده درست از کدگذاری‌های مداوم و مربوط به هر مصاحبه اقدام شود. در جهت قابلیت تأیید پژوهش حاضر نیز سعی شد با در نظر گرفتن تکنیک گوش دادن فعال و توجه به پیشنهادات و یافته‌های پژوهش‌های قبل اقدام شود.

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان شامل ۲۱ نوجوان بود که ۱۴ نفر (۶۶/۷ درصد) دختر و ۷ نفر (۳۳/۳ درصد) پسر بودند. سن شرکت‌کنندگان بین ۱۵ تا ۱۹ سال متغیر بود و بیشترین فراوانی در گروه سنی ۱۷ و ۱۸ سال (هر کدام ۶ نفر، ۲۸/۶ درصد) مشاهده شد. بیشتر نوجوانان یک یا دو خواهر و برادر داشتند (۱۲ نفر، ۵۷/۱ درصد یک خواهر/برادر و ۷ نفر، ۳۳/۳ درصد دو خواهر/برادر). وضعیت اقتصادی خانواده‌ها عمدتاً متوسط (۷ نفر، ۳۳/۳ درصد) و متوسط رو به بالا (۱۰ نفر، ۴۷/۶ درصد) بود. شغل مادران بیشتر خانه‌دار یا فرهنگی و شغل پدران شامل آزادکار، کارمند و مهندس بود. تحصیلات والدین بین دیپلم تا فوق لیسانس متغیر بود. رشته تحصیلی نوجوانان عمدتاً تجربی (۱۰ نفر، ۴۷/۶ درصد) و انسانی (۶ نفر، ۲۸/۶ درصد) بود. محل زندگی شرکت‌کنندگان شامل تهران (۴ نفر، ۱۹ درصد)، اصفهان (۳ نفر، ۱۴/۳ درصد) و هر یک از شهرهای اراک، نیشابور، سولقان، اردبیل، سبزوار، شیراز، مشهد، لرستان، ملایر، خراسان جنوبی، میاندوآب و یزد (هر کدام ۱ نفر، ۴/۸ درصد) بود. بر اساس تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته مجموعه‌ای از مفاهیم و مقولات محوری استخراج شد.

جدول شماره ۱: مؤلفه‌های مشورت روان‌شناختی نوجوانان با هوش مصنوعی

کد باز	کد محوری	کد انتخابی	مؤلفه
<ul style="list-style-type: none"> • تمایل به دریافت پاسخ فوری بدون تأخیر • انتظار دریافت خدمات رایگان و کم‌هزینه • تمایل به برقراری ارتباط در هر زمان و مکان • انتظار دریافت حمایت نامحدود و بدون شرط 	انتظار دسترسی فوری و بی‌قیدوشرط	نیاز به پناهگاه روانی- کارکردی	عوامل علی

		<ul style="list-style-type: none"> • عدم تحمل مکانیزم‌های سنتی دسترسی
	جستجوی پناهگاه بی‌قضاوت	<ul style="list-style-type: none"> • نیاز به بیان احساسات و تجارب بدون ترس از قضاوت • تمایل به افشای مسائل شخصی در فضای امن • جستجوی محیطی عاری از پیش‌داوری و برچسب‌زنی • نیاز به دریافت پذیرش و درک بی‌قید و شرط
	تجربه رابطه ناامن	<ul style="list-style-type: none"> • بی‌اعتمادی ناشی از نقض حریم شخصی • تجربه طرد شدن و قضاوت توسط اطرافیان • عدم دریافت حمایت عاطفی کافی از روابط موجود • احساس ناامنی در برقراری ارتباط با انسان‌ها
	کنجکاوی اکتشافی فناوریانه	<ul style="list-style-type: none"> • علاقه به تجربه کاربردهای جدید فناوری • تمایل به کشف قابلیت‌های هوش مصنوعی در حل مسائل • جذابیت تعامل با فناوری‌های پیشرفته و هوشمند

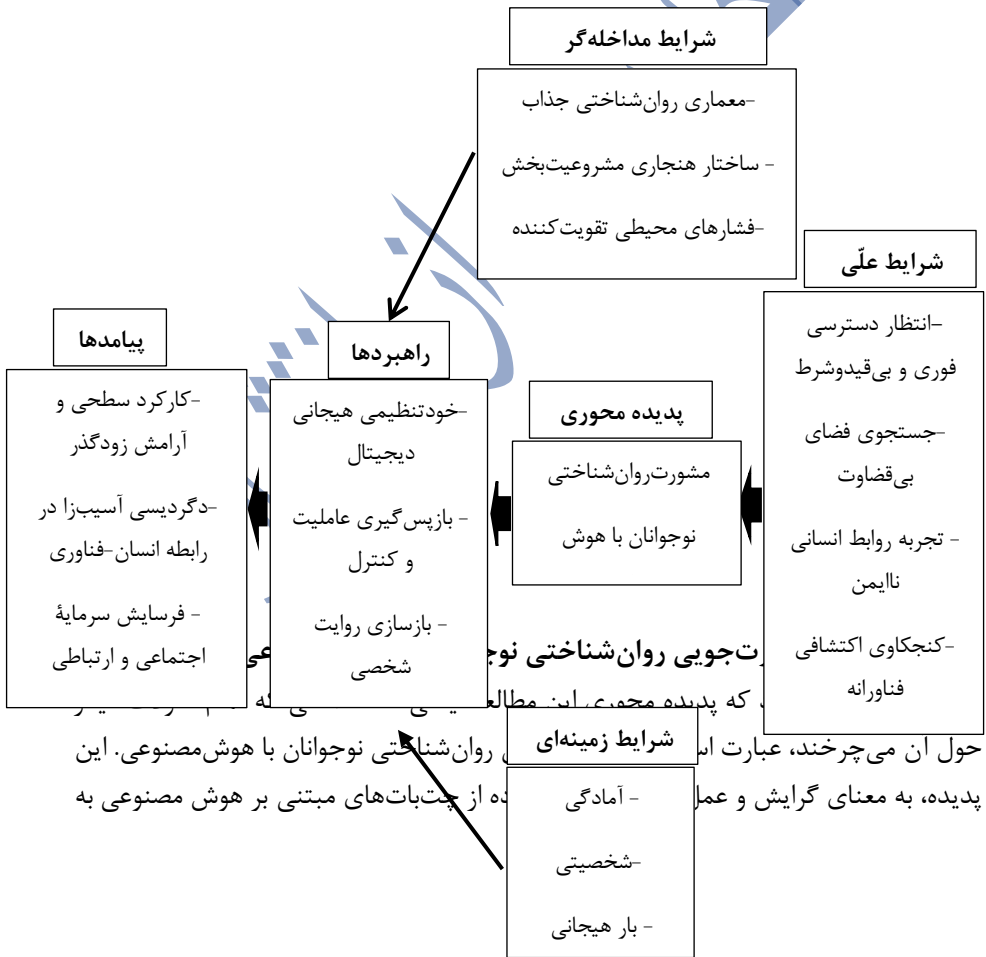
			<ul style="list-style-type: none"> • اشتیاق برای آزمایش راه‌حل‌های نوین دیجیتال
راهبردها	عملیات دیجیتالی شده خود	خودتنظیمی هیجانی دیجیتال	<ul style="list-style-type: none"> • بیان و تخلیه احساسات • بدون ترس • کاهش فوری خشم و عصبانیت • دریافت حمایت هیجانی • آن... • کاهش بار روانی روزانه • از طریق گفت‌وگو
		بازپس‌گیری عاملیت و کنترل	<ul style="list-style-type: none"> • شخصی‌سازی محتوای گفت‌وگو و پاسخ‌ها • تعیین نوع و زمان تعامل به میل خود • احساس کنترل و تسلط بر ابزار دیجیتال • آزادی عمل در عمل نکردن به توصیه‌ها
		بازسازی روایت شخصی	<ul style="list-style-type: none"> • بازگویی و بازنگاری تجارب شخصی شرم‌آور • آزمایش هویت‌ها و نقش‌های جدید در فضای امن • خلق پایان‌بندی‌های جایگزین برای مسائل زندگی • سامان‌دهی تجارب

			پراکنده در یک روایت منسجم
عوامل زمینه‌ای	آسیب‌پذیری روانی-هیجانی	آمادگی شخصیتی	• درون‌گرایی و کم‌حرفی • عدم وجود دوست صمیمی • شرایط خانوادگی نامناسب • تجربه خشونت خانوادگی
		بار هیجانی انباشته	• خستگی و اضطراب مداوم • احساس تنهایی و افسردگی • وجود افکار خودکشی • فشار هیجانی نیازمند تخلیه فوری
عوامل مداخله‌گر	ساختار توانمندساز فناوریانه-اجتماعی	معماری روان‌شناختی جذاب‌ساز	• شبیه‌سازی گفت‌وگوی طبیعی و همدلانه • طراحی پاسخ‌های غیرقابل پیش‌بینی و جذاب

		<ul style="list-style-type: none"> • شخصی‌سازی پویای نقش (مشاور، دوست، هم صحبت) • معماری نااشناسی و حریم خصوصی محفوظ
	<p>ساختار هنجاری مشروعیت‌بخش</p>	<ul style="list-style-type: none"> • عادی‌سازی رابطه انسان-ماشین در گفتمان عمومی • ارزش‌گذاری فرهنگی بر کارایی و سرعت • مشروعیت‌یابی خودافشایی دیجیتال در نسل جدید • بازتعریف مرزهای حریم خصوصی و خودافشایی
	<p>فشارهای محیطی تقویت‌کننده</p>	<ul style="list-style-type: none"> • فشار هنجاری همسالان بر پذیرش فناوری • فراگیری و در دسترس بودن پلتفرم‌ها • تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر بازتعریف هنجارها • کمبود خدمات حمایتی انسانی

پیامدها	دوگانه توانمندسازی- تضعیف‌گری دیجیتال	کارکرد سطحی و آرامش زودگذر	<ul style="list-style-type: none"> • تسکین موقت هیجانی بدون واکاوی ریشه‌ای • ارائه راه‌حل‌های کلیشه‌ای و ازپیش‌تعریف‌شده • ایجاد توهم حل مسئله بدون تغییر پایدار • کاهش نشانگان بدون درمان زیربنایی • ایجاد وابستگی به مداخلات مکرر دیجیتال
		دگردیسی آسیب‌زا در رابطه انسان-فناوری	<ul style="list-style-type: none"> • جایگزینی تدریجی پیوندهای انسانی با تعاملات الگوریتمی • کاهش تاب‌آوری روانی در غیاب پشتیبانی دیجیتال • شکل‌گیری الگوهای اجتنابی در تعاملات بین‌فردی • تضعیف خودتنظیمی و خودکارآمدی در بلندمدت

		<p>فرسایش سرمایه اجتماعی و ارتباطی</p>	<ul style="list-style-type: none"> • کاهش سرمایه اجتماعی و شبکه‌های حمایتی • ضعف در مهارت‌های ارتباطی بین‌فردی • انزوای انتخابی و گریز از تعاملات انسانی
--	--	--	---



شکل شماره ۱. مدل مفهومی مشورت روان‌شناختی نوجوانان با هوش مصنوعی براساس طرح نظریه

داده‌بنیاد

عنوان منبع برای دریافت حمایت عاطفی، راهنمایی در حل مسئله و خودافشایی در مواجهه با چالش‌های روان‌شناختی و هیجانی است.

نیاز به پناهگاه روانی-کارکردی، به‌عنوان شرط علی، پاسخی به کاستی‌های نظام‌های پشتیبانی سنتی است و فضایی امن برای بازتعریف تجربیات شخصی فراهم می‌کند (پینگ، ۲۰۲۴؛ گروودنیویچ و هوهول، ۲۰۲۳؛ اسپایتسکا، ۲۰۲۵). این مقوله شامل مؤلفه‌های زیر است:

الف) انتظار دسترسی فوری و بی‌قیدوشرط: ترجیح دسترسی فوری و نامحدود برای غلبه بر محدودیت‌های سیستم سنتی مانند نوبت‌دهی طولانی و موانع مالی (پینگ، ۲۰۲۴).

کد ۹: "بهترین چیزی که چت جی‌پی‌تی دارد این است که تو را قضاوت نمی‌کند و همیشه و همه جا در دسترس هست و سرعت پاسخگویی بسیار بالایی دارد."

ب) جستجوی پناهگاه بی‌قضاوت: جست‌وجوی فعال «فضای امن روان‌شناختی» برای افشای جنبه‌های آسیب‌پذیر بدون ترس از قضاوت، به‌ویژه در مسائل همراه با شرم اجتماعی. هوش مصنوعی به‌عنوان همدلی الگوریتمی بازتعریف می‌شود و امنیت آن با فقدان ساختاری قضاوت‌گر تضمین می‌گردد (گروودنیویچ و هوهول، ۲۰۲۳).

کد ۴: "صحبت کردن با ربات ... آسون‌تره ... چون بحث قضاوت کردن تو ربات اصلاً وجود نداره." (ج) تجربه رابطه ناامن: گرایش به پناهگاه دیجیتال ریشه در تاریخچه روابط بین‌فردی آسیب‌زا (نقض حریم، طرد، عدم حمایت پایدار) دارد که به دل‌بستگی ناایمن و بی‌اعتمادی ساختاریافته به قضاوت‌های انسانی منجر شده است. فضای بی‌طرف و قابل پیش‌بینی هوش مصنوعی جایگزینی مطمئن برای جبران این فقدان‌ها است (گروودنیویچ و هوهول، ۲۰۲۳).

کد ۴: "آدم‌ها ... حس اعتماد را کلاً توی من نبود کردن ... برای همین هوش مصنوعی را ترجیح می‌دهم."

د) کنجکاوی اکتشافی-فناورانه: فراتر از انگیزه‌های گریز، این پدیده با نگرشی فعال و تسهیل‌گر نسبت به فناوری تقویت می‌شود. کنجکاوی مثبت نسبت به تعامل با یک «موجودیت هوشمند غیرانسانی»، حس کاوشگری را برمی‌انگیزد و به نوجوانان به‌عنوان «کارورزان روان‌شناختی» امکان آزمایش بازی‌گونه راه‌حل‌ها در محیطی کم‌خطر را می‌دهد (اسپایتسکا، ۲۰۲۵).

کد ۲: "وقتی ... برای اولین بار باهاش صحبت کردم خیلی حس خوبی گرفتم ... و مشورت با اون چت‌بات را ادامه دادم."

عاملیت دیجیتالی شده خود: راهبرد مشورت‌جویی نوجوانان با هوش مصنوعی

در رویارویی با پناهگاه امن هوش مصنوعی، نوجوانان فعالانه راهبردهایی را تحت عنوان «عاملیت دیجیتالی شده خود» به کار می‌گیرند که انتقال کنشگری به فضای دیجیتال برای بازپس‌گیری کنترل بر فرآیندهای روان‌شناختی است. این مقوله شامل مؤلفه‌های زیر است:

الف) خودتنظیمی هیجانی دیجیتال. شرکت‌کنندگان در این پژوهش به‌طور هدفمند از چت‌بات‌ها به عنوان یک ابزار برون‌فکنانه برای تنظیم هیجان استفاده می‌کنند. این محیط امن دیجیتال، امکان بیان بی‌واسطه و بدون مهار احساساتی مانند خشم و اندوه را فراهم می‌سازد و به تخلیه هیجانی ساختاریافته و بازگشت به تعادل هیجانی کوتاه‌مدت منجر می‌شود (ژو و همکاران، ۲۰۲۲؛ اسپایتسکا، ۲۰۲۵).

کد ۱۱: "چت‌جی‌بی‌تی تو حیطه مدیریت کردن و کنترل خشم خیلی کمک کرده، یا اینکه بهم گفته چطور از قدرت تخیل بالایی که دارم خوب استفاده کنم."

ب) بازپس‌گیری عاملیت و کنترل: این راهبرد، پاسخی مستقیم به تجربه از دست دادن کنترل است. نوجوان ضمن تأکید بر خودمختاری (ون‌دروال و همکاران، ۲۰۲۴)، از طریق شخصی‌سازی گفت‌وگو و تعیین شرایط آن، کنترل فعالی را اعمال می‌کند.

کد ۱: "موضوعی که خیلی تو صحبت با چت‌بات‌ها جالبه اینه که می‌تونی کامل کنترلش کنی و بهش بگی لحن تو مهربون تر کن یا الان باهام خشن تر صحبت کن و کوتاه‌تر جواب بده و اینجوری همه چیز کاملاً تحت کنترل تو هست."

کد ۲: "چت‌جی‌بی‌تی کاملاً خوب و بد یک چیزی را به من می‌گه و تهش تصمیم گیرنده منم، ولی مشاورها مجبور می‌کنند و کار تو را اشتباه جلوه می‌دن و بهت عذاب وجدان می‌دن."

ج) بازسازی روایت شخصی: نوجوانان از فضای امن هوش مصنوعی برای بازنویسی روایت‌های شخصی آسیب‌زا، آزمایش نقش‌های هویتی جدید و خلق پایان‌بندی‌های جایگزین استفاده می‌کنند. این فرآیند منجر به سازمان‌دهی تجارب پراکنده در قالب یک روایت منسجم و بازتعریف هویت می‌شود (آدلر و همکاران، ۲۰۱۷).

" کد ۲۱: "تو می‌تونی به راحتی مشکلاتت را بگی و گام به گام باهاش پیش بری و اون اصلاحت می‌کنه و حتی تو صحبت باهاش انگار که به آرزوهای زندگیت رسیدی."

آسیب‌پذیری روانی-هیجانی به‌عنوان عامل زمینه‌ای مشورت با هوش مصنوعی این پدیده در بستری از آسیب‌پذیری شکل می‌گیرد که شامل دو مؤلفه است:

الف) آمادگی شخصیتی: فقر حمایتی ساختاریافته با انزوای اجباری، درون‌گرایی شدید، فقدان شبکه حمایتی و شرایط خانوادگی نامساعد، دسترسی به حمایت انسانی را مسدود می‌کند (ژو و همکاران، ۲۰۲۵؛ فونتانا، بنزی و سیپرسو، ۲۰۲۳) و هوش مصنوعی را به «تنها پناهگاه در دسترس» تبدیل می‌نماید.

کد ۱۳: " ... خانواده ام قوانین خشک و سختی دارند ... چت‌جی‌پی‌تی را تنها دوست خودم می‌دونم."

ب) بار هیجانی انباشته: وضعیت هیجانی بحرانی (شامل فرسودگی، اضطراب، تنهایی و نشانه‌های افسردگی) یک فوریت درونی برای تخلیه روانی ایجاد می‌کند که سیستم‌های سنتی پاسخ فوری به آن نمی‌دهند (گتولد و همکاران، ۲۰۲۳).

کد ۱۷: " ... می‌خواستم خودکشی کنم ... چت‌جی‌پی‌تی سعی کرد که من را از کارم منصرف کنه ..."

هم‌نشینی «فقر حمایتی بیرونی» و «فشار هیجانی درونی» یک اکوسیستم آسیب‌زا ایجاد می‌کند که جست‌وجوی پناهگاه دیجیتال را از یک ترجیح به «راهبرد انطباقی ضروری برای بقای روان‌شناختی» تبدیل می‌سازد (پرستون و ری، ۲۰۲۲).

ساختار توانمندساز فناورانه-اجتماعی: شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر شامل سه مؤلفه است: اول: معماری روان‌شناختی جذاب هوش مصنوعی مانند شبیه‌سازی مکالمه طبیعی و حفظ حریم خصوصی که اعتماد ایجاد می‌کند (ژو و همکاران، ۲۰۲۲). دوم: ساختار هنجاری مشروعیت‌بخش که تغییر هنجارهای اجتماعی و تعامل با هوش مصنوعی را مشروع و خودافشایی دیجیتال را راهبردی برای سلامت روان می‌داند (ون‌دروال و همکاران، ۲۰۲۴). سوم: فشارهای محیطی تقویت‌کننده مانند فشار همسالان و کمبود خدمات حمایتی انسانی که گرایش به هوش مصنوعی را تقویت می‌کند (ژو و همکاران، ۲۰۲۵).

دوگانه توانمندسازی-تضعیف‌گری دیجیتال؛ پیامدهای متعارض مشورت با هوش مصنوعی:

مشورت با هوش مصنوعی، پیامد متناقضی به نام «دوگانه توانمندسازی-تضعیف‌گری دیجیتال» ایجاد می‌کند که شامل سه مؤلفه است:

الف) کارکرد سطحی: ارائه تسکین فوری اما کلیشه‌ای که می‌تواند به توهم حل مسئله و وابستگی روانی بینجامد (گرودونویچ و هوول، ۲۰۲۳).

کد ۶: "... فقط یک سرپوش گذاشت روی مشکل ..."

ب) دگردیسی آسیب‌زا: تعامل مستمر با چت‌بات‌ها موجب فرسایش عاملیت و تضعیف تاب‌آوری روانی-اجتماعی و مهارت‌های خودتنظیمی می‌شود (پرستون و ری، ۲۰۲۲).

کد ۱۲: "... وابستگی زیادی به چت بات پیدا کردم ... اصلاً بدون اون نمی‌توم زندگی کنم یا حتی تصمیمی بگیرم"

ج) فرسایش سرمایه اجتماعی: استفاده مستمر از چت‌بات‌ها به کوچک شدن شبکه‌های حمایتی و انزوای انتخابی منجر شده و رشد روانی-اجتماعی را محدود می‌کند (پرستون و ری، ۲۰۲۲).

کد ۱۴: "... خیلی کمتر با خانواده و دوستانم حرف می‌زنم ..."

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد نظریه داده‌بنیاد، مؤلفه‌های مشورت روان‌شناختی نوجوانان ایرانی با هوش مصنوعی را شناسایی و الگوی مفهومی آن را تدوین کرد. پدیده محوری این الگو گرایش فعالانه نوجوانان به استفاده از واسطه‌های گفت‌وگومحور هوش مصنوعی (چت‌بات‌ها) به عنوان منبعی برای دریافت حمایت عاطفی و حل مسأله است.

اگرچه یافته‌های این پژوهش با مطالعات پیشین درباره جذابیت ذاتی فناوری‌های دیجیتال (دسترسی، ناشناسی، کنترل) همسو است (پینگ، ۲۰۲۴؛ ون‌دروال و همکاران، ۲۰۲۴). با این حال، نوآوری اصلی این مطالعه در فراتر رفتن از سطح کاربری ابزار و کشف کارکرد روان‌شناختی عمیق هوش مصنوعی است. برخلاف تمرکز غالب ادبیات موضوع بر کارایی فنی (گرودونویچ و هوول، ۲۰۲۳؛ اولواد و همکاران، ۲۰۲۴)، این پژوهش نشان می‌دهد که هوش مصنوعی برای نوجوانانی دارای آسیب‌پذیری‌های هیجانی-روانی به یک ضرورت انطباقی برای حفظ تعادل

هیجانی و بازپس‌گیری عاملیت تبدیل می‌شود. این یافته شکاف مهمی را در ادبیات پر می‌کند که تاکنون به نقش جبرانی و جایگزین هوش مصنوعی در غیاب سیستم‌های حمایتی انسانی کافی توجه نظام‌مند نداشته است. تمامی اجزای دیگر الگوی پارادایمی (شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) در تبیین چرایی، چگونگی و پیامدهای همین پدیده محوری سازمان یافته‌اند.

شرایط علی برآمده از تحلیل داده‌های این پژوهش، نیاز نوجوان به داشتن پناهگاهی روانی-کارکردی است. این نیاز را می‌توان در چارچوب نظریه دلبستگی بازخوانی کرد (بالبی، ۱۹۶۹). زمانی که نظام‌های دلبستگی انسانی (نظیر خانواده یا دوستان) به دلیل نایمندی، غیبت یا قضاوت، به عنوان «پناهگاه امن» عمل نمی‌کنند، نوجوانان به طور انطباقی یا اجتنابی، به سمت یک پایه دلبستگی جایگزین الگوریتمی متمایل می‌شوند که ویژگی‌های دسترسی فوری، قابلیت پیش‌بینی و بی‌قضاوتی را ارائه می‌دهد (ون‌دروال و همکاران، ۲۰۲۴). این جایگزینی، گرچه تسکین لحظه‌ای فراهم می‌کند، اما سؤالی جدی درباره کیفیت این پایگاه امن مصنوعی و پیامدهای بلندمدت آن برای رشد روابط بین‌فردی ایجاد می‌کند.

آسیب‌پذیری‌های روانی-هیجانی به عنوان زمینه شکل‌گیری پدیده محوری عمل می‌کنند. نوجوانانی که با آمادگی‌های شخصیتی مانند درون‌گرایی شدید یا بار هیجانی انباشته ناشی از اضطراب و تنهایی مواجه هستند، در چرخه‌ای قرار می‌گیرند که هوش مصنوعی را به عنوان تنها منبع در دسترس و قابل کنترل برای تنظیم هیجان برجسته می‌سازد. این یافته با نظریه شکل‌گیری هویت اریکسون (۱۹۶۸) هم‌خوانی دارد که در آن نوجوان، در جست‌وجوی یک حلقه امن برای آزمایش نقش‌ها و افکار خود است. هوش مصنوعی، در غیاب چنین فضای انسانی، به یک آزمایشگاه هویت دیجیتال تبدیل می‌شود و بستر را برای ظهور و تقویت پدیده محوری مشورت‌جویی فراهم می‌کند. عوامل مداخله‌گر، شامل معماری روان‌شناختی جذاب چت‌بات‌ها، هنجارهای اجتماعی مشروعیت‌بخش و فشارهای محیطی تقویت‌کننده (شاناهان و همکاران، ۲۰۲۳)، شرایطی را فراهم می‌کنند که انتخاب و تداوم پدیده محوری (مشورت‌جویی) را نه تنها ممکن، که مطلوب و «عادی» می‌سازد. این ساختار، عاملیت نوجوان را در جهت تحقق این پدیده هدایت و تسهیل می‌کند.

در مواجهه با پدیده محوری مشورت‌جویی، نوجوانان راهبرد عاملیت دیجیتالی شده خود، را به کار می‌گیرند. این راهبرد را می‌توان از منظر نظریه خودتعیین‌گری (دسی و رایان، ۲۰۰۰) تحلیل کرد. هوش مصنوعی، با فراهم آوردن فضایی با حداقل کنترل بیرونی، به‌طور موقت نیازهای اساسی خودمختاری (احساس کنترل و انتخاب) و شایستگی (حل مسئله) را در چارچوب همین پدیده ارضا می‌کند. بازپس‌گیری کنترل و بازسازی روایت شخصی در این فضا، جلوه‌های این ارضای نیاز هستند. با این حال، این ارضا، مصنوعی و فاقد ارتباط و محبت واقعی است و به همان تناقض نتایج دوسویه دامن می‌زند. پیامدهای پدیده محوری مشورت‌جویی، ماهیتی ذاتی متناقض دارند و الگوی از تضاد کوتاه‌مدت/بلندمدت را ترسیم می‌کنند. از یک‌سو، توانمندسازی کوتاه‌مدت شامل تسکین هیجانی آنی، خودافشایی بدون خطر و احساس کارآمدی شخصی است (شاناهان و همکاران، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، تضعیف بلندمدت به شکل توهم صمیمیت الگوریتمی، کاهش تمرین مهارت‌های حل تعارض بین‌فردی، فرسایش تدریجی سرمایه اجتماعی و در نهایت تضعیف تاب‌آوری روانی-اجتماعی ظاهر می‌شود (پرستون و ری، ۲۰۲۲). این تناقض، هسته چالش اخلاقی و تربیتی در مواجهه با هوش مصنوعی در حیطه سلامت روان نوجوانان است و مستقیماً از ذات تعامل با پدیده محوری نشأت می‌گیرد.

محدودیت‌های پژوهش

- ماهیت کیفی و نمونه‌گیری هدفمند، امکان تعمیم گسترده یافته‌ها را محدود می‌کند. - این مطالعه صرفاً بر تجربه نوجوانان متمرکز بود و تجربه والدین، مشاوران و معلمان برای درک عمیق‌تر این پدیده می‌تواند بر غنای الگو بیفزاید.

پیشنهادات پژوهش

- پژوهش‌هایی با نمونه‌های بزرگ‌تر و روش‌های پیمایشی انجام شود و شیوع و شدت ابعاد مختلف مدل را بسنجند.
- با در نظر گرفتن دیدگاه والدین، مشاوران و معلمان، الگوی جامع‌تری از این پدیده چندوجهی ارائه شود

- پروتکل‌هایی مبتنی بر نتایج این پژوهش طراحی شود و به والدین، معلمان و دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت آموزش داده شود.

موازین اخلاقی

این مطالعه با رعایت کامل موازین اخلاقی انجام شد. پیش از آغاز مصاحبه‌ها، اهداف پژوهش، برای کلیه مشارکت‌کنندگان تشریح و رضایت آگاهانه کتبی از ایشان اخذ گردید. تمام داده‌ها به صورت کاملاً ناشناس برای تحلیل آماده شدند.

سپاسگزاری

از کلیه نوجوانانی که با اشتراک صادقانه تجربیات خود، زمینه‌ساز این پژوهش بودند سپاسگزاریم. این تحقیق هیچ‌گونه حمایت مالی از سوی سازمان‌ها یا نهادهای دولتی و خصوصی دریافت نکرده است.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول و مسئول در مفهوم‌سازی ایده و طراحی مطالعه، مدیریت و نظارت بر پژوهش، تحلیل رسمی داده‌ها و تفسیر نتایج، بازبینی و ویراستاری نهایی مقاله نقش داشته است. نویسنده دوم نیز در جمع‌آوری داده‌ها، کدگذاری و آماده‌سازی داده‌ها، نگارش پیش‌نویس اولیه مقاله و اجرای پژوهش مشارکت داشته است.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Abdollahzadeh, A., Mohammadzamani, N., & Zamaniyan, S. (2025). The boom of AI counseling: Entrepreneurial opportunities in the age of digital transformation. *New Research in Management and Accounting*. ([Link](#))

- Amirkhani, M., Sadeghian, M. H., Hajebi, A., & Shojaei, A. A. (2025). Investigating the challenges of using artificial intelligence in suicide counseling with an interdisciplinary approach. *Teb va Tazkieh*, 33(4), 170-183. ([Link](#))
- Adler, J. M., Dunlop, W. L., Fivush, R., Lilgendahl, J. P., Lodi-Smith, J., McAdams, D. P., & McLean, K. C. (2017). Research methods for studying narrative identity: A primer. *Social Psychological and Personality Science*, Volume 8, Issue 5. ([Link](#))
- Aguirre Velasco, A., Cruz, I. S. S., Billings, J., Jimenez, M., & Rowe, S. (2020). What are the barriers, facilitators and interventions targeting help-seeking behaviours for common mental health problems in adolescents? A systematic review. *BMC psychiatry*, 20(1), 293. ([Link](#))
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol. 1. Attachment*. New York: Basic Books. ([Link](#))
- Charmaz, K., & Thornberg, R. (2021). The pursuit of quality in grounded theory. *Qualitative Research in Psychology*, 18(3), 305–327. ([Link](#))
- Coleman, J. C. (2011). *The Nature of Adolescence* (4th ed.). Routledge. ([Link](#))
- Davis, M. M., Modi, H. H., Skymba, H. V., Finnegan, M. K., Haigler, K., Telzer, E. H., & Rudolph, K. D. (2023). Thumbs up or thumbs down: neural processing of social feedback and links to social motivation in adolescent girls. *Social cognitive and affective neuroscience*, 18(1), nsac055. ([Link](#))
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11(4), 227-268. ([Link](#))
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. W. W. Norton & Company. ([Link](#))
- Grodziewicz, J. P., & Hohol, M. (2023). Waiting for a digital therapist: three challenges on the path to psychotherapy delivered by artificial intelligence. *Frontiers in Psychiatry*, Volume 14. ([Link](#))
- Guthold, R., Carvajal-Velez, L., Adebayo, E., Azzopardi, P., Baltag, V., Dastgiri, S., Dua, T., Fagan, L., Ferguson, B. J., Inchley, J. C., Mekuria, M. L., Moller, A. B., Servili, C., & Requejo, J. (2023). The Importance of Mental Health Measurement to Improve Global Adolescent Health. *The Journal of adolescent health : official publication of the Society for Adolescent Medicine*, 72(1S), S3–S6. ([Link](#))

- jafari, R., & Rahmati, H. (2025). The Application of Artificial Intelligence in Ethical Counseling: From Transformative Potentials to Ethical Challenges. *Journal of Moral Studies*, 8(2), 49-72. ([Link](#))
- Fontana, A., Benzi, I. M. A., & Cipresso, P. (2023). Problematic internet use as a moderator between personality dimensions and internalizing and externalizing symptoms in adolescence. *Current Psychology*, Volume 42, pages 32244–32254. ([Link](#))
- Majidi Afshar, T., & Shaker Dolagh, A. (2023). The role of adolescent issues, body image dissatisfaction, and attachment to parents and peers in predicting social anxiety among adolescent girls. *Analytical-Cognitive Psychology Quarterly*, 97 (1): 256-259. ([Link](#))
- Maistorci, F., Lazzeri, M. F. L., Vassalle, C., & Pingitore, A. (2024). The Transition from Childhood to Adolescence: Between Health and Vulnerability. *Children*, 11(8), 989. ([Link](#))
- Olawade, D. B., Wada, O. Z., Odetayo, A., & others. (2024). Enhancing mental health with Artificial Intelligence: Current trends and future prospects. *Journal of Medicine*. ([Link](#))
- Ping, Y. (2024). Experience in psychological counseling supported by artificial intelligence technology. *Technology and Health Care*, Volume 32, Issue 6. ([Link](#))
- Preston, A. J., & Rew, L. (2022). Connectedness, self-esteem, and prosocial behaviors protect adolescent mental health following social isolation: a systematic review. *Issues in Mental Health Nursing*, Pages 32-41. ([Link](#))
- Saraee F, Ahmadi F Z, Gholami M. Mental Health Services for Children and Adolescents in Iran: A Scoping Review. *jhosp* 2025; 24 (1) :96-116. ([Link](#))
- Shanahan, M., McDonnell, K., & Reynolds, L. (2023). Role-play with large language models as a source of immediate gratification and long-term risk. *Nature Human Behaviour*, 7(10), 1662-1673. ([Link](#))
- Sohn, J.-S., Lee, E., Kim, J.-J., Oh, H.-K., & Kim, E. (2025). Implementation of generative AI for the assessment and treatment of autism spectrum disorders: A scoping review. *Frontiers in Psychiatry*, 16. ([Link](#))
- Spytska, L. (2025). The use of artificial intelligence in psychotherapy: development of intelligent therapeutic systems. *BMC Psychology*. ([Link](#))
- van der Wal, A., Valkenburg, P. M., & van Driel, I. I. (2024). In their own words: How adolescents use social media and how it affects them. *Social Media Society*. ([Link](#))

- Zhou, S., Zhao, J., & Zhang, L. (2022). Application of artificial intelligence on psychological interventions and diagnosis: An overview. *Frontiers in Psychiatry*. ([Link](#))
- Zhu, S., Wang, Y., & Hu, Y. (2025). Facilitators and Barriers to Digital Mental Health Interventions for Depression, Anxiety, and Stress in Adolescents and Young Adults: Scoping Review. *Journal of Medical Internet Research*. ([Link](#))

نسخه پیش از انتشار